

وظیفه ای نا تمام

AMNESTY
INTERNATIONAL



Amnesty International Publications

First published in 2014 by
Amnesty International Publications
International Secretariat
Peter Benenson House
1 Easton Street
London WC1X 0DW
United Kingdom
www.amnesty.org

© Amnesty International Publications 2014

Index: 11/008/2014
Original Language: English
Printed by Amnesty International, International Secretariat, United Kingdom

All rights reserved. This publication is copyright, but may be reproduced by any method without fee for advocacy, campaigning and teaching purposes, but not for resale. The copyright holders request that all such use be registered with them for impact assessment purposes. For copying in any other circumstances, or for reuse in other publications, or for translation or adaptation, prior written permission must be obtained from the publishers, and a fee may be payable. To request permission, or for any other inquiries, please contact copyright@amnesty.org

Cover photo: ASSOCIATED PRESS/KHALID KHAN

Amnesty International is a global movement of more than 3 million supporters, members and activists in more than 150 countries and territories who campaign to end grave abuses of human rights.

Our vision is for every person to enjoy all the rights enshrined in the Universal Declaration of Human Rights and other international human rights standards.

We are independent of any government, political ideology, economic interest or religion and are funded mainly by our membership and public donations.

**AMNESTY
INTERNATIONAL**



ناکامی نیرو های بین المللی در قسمت جواهدی به تلفات ملکی ایبکه توسط عملیات های نظامی آنها در افغانستان بوقوع میببوند

سه روز بعد از حادثه قوماندان ما را به پایگاه نظامی دعوت کردند وگفتند که لطفاً ما را ببخشید... ما گفتیم ما شما را هرگز نمیبخشیم. ما برایشان گفتیم که ما پول شما را کار نداریم، ما میخواستیم تا مجرمین محاکمه شوند. ما میخواستیم تا شما محاکمه شوید.

نقل قول از محمد نبی، کسیکه برادر بیست ساله اش به اسم گل نبی همراه با چهار نو جوان دیگر توسط حمله هوایی هلیکوپتر در جلال آباد بتاریخ 4 اکتوبر سال 2013 کشته شد.

خلاصه گزارش

یک گروهی از زنان در یکی از قریه های فقیرنشین ولایت لغمان زمانی از طرف نیرو های امریکایی در سپتمبر سال 2012 مورد حمله قرار گرفتند که بخاطر جمع آوری چوب سوخت به کوه ها رفته بودند و طیاره امریکایی حد اقل دو دانه بمب را بالای آنها پرتاب کرد. که در اثر این حادثه هفت زن و دختر کشته شدند و هفت تن دیگر زخمی شدند که حد اقل چهار تن آنها زخم های شدیدی برداشتند. مهترلام بی بی 16 ساله و دختر کاکایش عقل بی بی 18 ساله هر دو در اثر این حمله یک چشم خود را از دست دادند.

غلام نور یک دهقان پیر ایبکه دختر 16 ساله اش بی بی حلیمه را در این حادثه از دست داده است به سازمان عفو بین الملل چنین گفت. وقتی وی همراه با دیگر اعضای خانواده های قربانیان این حادثه شنیدند که نیرو های بین المللی بعد از حادثه فوراً ادعا کرده اند که در این بمباردمان آنها مخالفین مسلح دولت را کشته اند آنوقت اینها مجبور شدند تا جنازه های زنان را به شهر مهترلام ولایت لغمان بیاورند " ما مجبور شدیم که به آنها نشان بدهیم که آنها فقط زنان را کشته اند."

نور میخواست که در قسمت کشته شدن دخترش تحقیقات صورت بگیرد ولی هیچوقت جوابی به این درخواست اش دریافت نکرد. "من هیچ قدرتی ندارم که از نیرو های بین المللی بپرسم که آنها چرا این کار را کردند." وی افزود " من نمیتوانم آنها را به محاکمه بکشانم." هر چند که یک گروه مردم قریه بخاطر کشته شدن این زنها شکایت نامه ای را نزد ولسوال علینگار و والی لغمان ثبت کردند ولی ثبت چنین شکایاتی کوچکترین ارزشی ندارد زیرا نیرو های بین المللی در افغانستان معافیت قضایی دارند. هیچ کسی گاهی هم با نور و دیگر خانواده ها قربانیان در این مورد تماس نگرفت تا در مورد چگونگی و قانونی بودن این حمله تحقیقات لازم را انجام دهند. هیچ یکی از این خانواده ها نفهمیدند که این حمله چرا صورت گرفت و چی توجیحی در قبال اجرای این حمله داشته اند.

بمبارد مان لغمان یک نمونه ای از دهها قضایای این چنینی است. هزاران تن از افراد ملکی در افغانستان از سال 2001 تا به حال توسط نیرو های بین المللی کشته شده اند و هزاران تن دیگر

نیز زخمی شده اند¹. قضایایی چون کشتن پنج تن از افراد ملکی در شهر گردیز که در ماه فبروزی سال 2010 اتفاق افتاد نمونه ای از جرایم جنگی است که بدون تحقیق باقی مانده و عاملین آن جزا نمی بینند. در اکثریت قاطع قضایا حتی زمانی که شواهد و قراین بدست آمده اینرا میرساند که قتل به شکل غیر قانونی صورت گرفته است با آنهم اعضای فامیل قربانی/ متضرر به هیچ عنوان نمیتوانند به عدالت دسترسی پیدا کنند.

این گزارش قضایای تلفات ملکی و میزان جواهدی را که بین سالهای 2009 الی 2013 یعنی در طی پنج سال گذشته توسط نیرو های بین المللی صورت گرفته است مورد بررسی قرار داده است.

نیروهای امریکایی بیشترین نیروی قوای بین المللی را در افغانستان تشکیل میدهد و به همین خاطر هم در اکثریت قضایای تلفات ملکی نیز دخیل بوده اند. بنابر این گزارش مخصوصاً بالای کارکرد های دولت امریکا در قسمت تحقیق جرایم جنگی که ممکن است اتفاق افتاده باشد و نیز تعقیب عدلی کسانیکه متهم به جرم ومسوولیت های جرمی بوده اند تمرکز دارد. و یافته های ما چنین نشان میدهد که کار کرد دولت امریکا در قسمت تحقیق قضایای جرایم جنگی ضعیف بوده است.

قضاوت نمودن از روی 125 تن از متضررین، اعضای خانواده قربانیان و شواهدی عینی قضایای تلفات ملکی اییکه سازمان عفو بین الملل با آنها مصاحبه نموده است و نیز با بررسی اسناد موجوده چنین نتیجه گیری شد که تحقیقات نیرو های نظامی امریکا و نیز اجرای تعقیب قضایی دارای کمبودی و نواقص زیادی است و نمیتواند به جرایم اییکه علیه غیر نظامیان صورت گرفته رسیده گی نموده و پاسخگو باشد. در بسیاری از قضایا در حالیکه شواهد انکار ناپذیر وجود دارد که ثابت میکند افراد ملکی کشته شده اند ولی نظامیان نتوانستند که یک تحقیق فوری، دقیق و بی طرف را انجام دهند.

چنانیکه گفته شد، حتی سخنگویان امریکا ادعای برعکس میکنند. "ما تمام اتهامات وارده بالای پرسونل خود را بسیار جدی میگیریم." این سخنان جنرال امریکایی جوزف دنفورد که سمت قوماندان نیرو های ایتلاف بین المللی را به عهده دارد در سال گذشته است که وعده نمود تا تمامی اتهامات وارده و گزارشاتی را که در مورد رفتار های خشن این نیرو ها بود تحقیق میکند. ولی وقتی به قضایایی که شامل حمله های شبانه توسط نیرو های ویژه، حملات هوایی و حملات راکتی اییکه توسط هوا پیما های بدون سر نشین صورت میگیرد نظر بیاندازیم چنین بر میاید که وعده های

¹ سازمان عفو بین الملل ملاحظه نموده است که بخصوص در سالهای اخیر، بیشترین تلفات افراد ملکی در افغانستان در اثر حملات طالبان و دیگر گروههای مسلح مخالف صورت گرفته است. این گروههای هیچ اقدامی را رویدست نکرده اند تا از ضرر رساندن به افراد ملکی جلوگیری کنند، و از افراد ملکی به حیث سپر انسانی استفاده کرده اند، و در بعضی از حالات قصداً افراد ملکی را مورد هدف حمله قرار داده اند که یک تخطی صریح از قوانین جنگی میباشد. در سال 2013، مطابق گزارش دفتر کمک رسانی ملل متحد برای افغانستان UNAMA، شورشگران مسوول سه برابر از کشتار افراد ملکی هستند، ولی نیروهای بین المللی مسوول کشتار 5 فیصد از افراد ملکی بوده اند. در حالیکه این گزارش بالای این موضوع تمرکز نمیکند، سازمان عفو بین الملل بطور متداوم تمام حملاتی را که بالای افراد ملکی صورت میگیرد محکوم مینماید، و نهایت تاسف خود را در قبال تشدید حملات بالای افراد ملکی از طرف طالبان و دیگر گروههای مسلح مخالف ابراز میدارد.

² بیانکا هال، "نیروهای استرالیایی متهم به قطع اعضای بدن در افغانستان شدند"، روزنامه سیدنی مارنیگ، تاریخ 30 اگست 2013.

داده شده بخاطر تحقیق قضایا هیچگاهی عملی نگردیده است.

تحت قوانین بین المللی بشری (قانون جنگ) هر فرد ملکی ایبکه در منازعات مسلحانه کشته میشود یک تخلف محسوب نمیشود. هرگاه چنین ادعا شود که کشتن افراد ملکی به شکل کور کورانه، عمدی و یا هم بی تناسب صورت گرفته است، چنین حوادثی نیاز به تحقیقات فوری، واضح و بی طرف را دارند. هرگاه چنین ثابت شود که قانون جنگ زیر پا گذاشته شده است بعداً تحقیق و تعقیب عدلی عاملین باید رویدست گرفته شود.

سارمان عفو بین الملل مشکلات جدی ساختاری را در سیستم قضایی نظامی امریکا شناسایی کرده است که این سیستم خود مانعی بر سر راه تحقیق و تعقیب عدلی عاملین جنایات علیه افراد ملکی میباشد. از همه مهمتر سیستم عدالت نظامی در امریکا سیستم "قوماندان سالاری است" و تا حد زیادی وقتی بررسی قانونیت یک عمل پیش میاید وابسته به اعتراف خود سربازان در مورد اعمال شان میباشد. در سال 2013 بورد حقوق و پالیسی دفاعی چنین افزود که عملکرد این سیستم وابسته به گزارش است که توسط نیروها در ساحه و در محل واقعه داده میشود. به دلیل نبود وضاحت در این شیوه این یک سیستم تعقیب فرد توسط خود فرد است.

با وجود آنهم تعداد اندکی از نیروها جرات نمودند تا تخلفات صورت گرفته را به مراجع بالاتر گزارش دهند در حالیکه تعدادی تصمیم گرفتند تا چنین کاری را نکنند. قوماندانها نیز بنابر دلایل محدودی که دارند نمیخواهند که بالای تحقیق جرایم پافشاری کنند، مخصوصاً در قضایا ایبکه رفتار و تصمیم گیری خود قوماندان مورد سوال قرار گیرد. بخاطریکه سیستم قضایی نظامی فاقد اداره مستقل تعقیب میباشد و فقط قوماندان تصمیم میگیرد که آیا یک قضیه به محکمه راجع گردد و از طریق امورات اداره ای حل گردد و یا هم اتهام و قضیه به طور کلی بسته شود. در هر قضیه تعقیب قانونی ولو که هر قدر واضح بوده و نیاز به عدالت باشد باز هم قوماندان میتواند که قضیه و تعقیب قضایی را در آن مورد رد کند. با در نظر داشت تمام موانع موجود جای تعجب نخواهد بود که فقط چند قضیه محدود توانسته اند به محاکم راه پیدا کنند. و این فقط در حالات نهایت استثنایی صورت گرفته است. زیرا بعضاً تعدادی از سربازها آنقدر از رفتار سربازان دیگر وحشت زده میشوند که از قوماندان هایشان میخواهند تا تخلفات همطرزان شانرا به مراجع بالاتر گزارش بدهند تا زمینه تعقیب عدلی را بوجود آورده و بعضاً قوماندانها از تعقیب عدلی حمایت میکنند، و نیز بعضی اوقات مطبوعات گزارش هابیرا از تخلفات ایبکه منجر به تلفات ملکی شده اند به نشر میرساند و باعث میگردد که این قضایا مورد توجه قرار گرفته و بررسی گردند.

سازمان عفو بین الملل در طول پنج سال فقط از شش قضیه تلفات ملکی آگاه شده است که در آن غیر نظامیان افغان به طور غیر قانونی کشته شدند به شمول یک قضیه ایبکه در آن 12 غیر نظامی شامل بود و منجر به محکمه و تعقیب عدلی نیروهای نظامی امریکایی گردیده است. و در تمام این تعقیب های قضایی فقط 10 تن از متهمین محکوم به دست داشتن به جرایم شنیع شده اند که از آن جمله نیز فقط هفت تن آنها زندانی اند. یکی از جدی ترین قضایا همانا قضیه افسر نظامی بنام رابرت بیلز است کسیکه به کشتن 16 تن از غیر نظامی افغان در ماه مارچ سال 2012 اعتراف نمود و به خاطر قتل و جرایم دیگر مجرم شناخته شده و در سال 2013 محکوم به حبس ابد گردیده و حتی نمیتواند در مجازاتش تخفیف آورده و یا مورد عفو قرار گیرد.

ولی قضایای دیگر ایبکه جدی بوده اند مورد تحقیق قرار نگرفته اند. از ده قضیه ایبکه سازمان عفو بین الملل آنرا بررسی نمود در نه قضیه اعضای خانواده قربانیان گفتند که آنها و دیگر شاهدان عینی

هیچ گاهی توسط نیرو های امریکایی مورد تحقیق قرار نگرفته اند و از آنها در مورد چگونگی قضیه سوال نشده است. نیرو های امریکایی حتی کوچکترین تلاش را بخاطر بررسی حقایق و سوال کردن از آنها می‌توانند جریان را مستقیماً به آنها تشریح کنند نکرده اند، بنابر این بسیار مشکل است که تحقیقات این چینی را جدی و شفاف خطاب کنیم. بسیاری از خانواده ها و شاهدان عینی گفتند که آنها توسط نهاد های محلی حقوق بشری، تفتیش های سازمان ملل متحد، پولیس افغانستان و مطبوعات مصاحبه شده اند ولی کسانی که قدرت اینرا دارند تا عاملین این جرایم را مورد پیگرد قانونی قرار دهند با اعضای فامیل، شاهدان عینی و متضررین ندیده اند.

رفیع الله کشکی پدر پسر 16 ساله ای که توسط نیرو های ویژه امریکایی در یک یورش شبانه در می سال 2010 در خانه ایشان کشته به سازمان عفو بین الملل گفت "هیچ تحقیق کننده نظامی نزد ما نیامده است". در این یورش بر علاوه پسر این مرد هشت تن دیگر نیز جان هایشان را از دست. "ما همه ای تلاش خود را کردیم تا عدالت را بدست بیاوریم، ولی ما نمیدانیم که آیا در این قضیه تحقیقاتی هم صورت گرفته است یا خیر. ما در تاریکی نگهداشته شده ایم".

قضیه کشکی نیز شبیه قضایای دیگری بود که سازمان عفو بین الملل آنرا بررسی کرده است. طوریکه خود کشکی گفت که مشکل اصلی سیستم عدلی نظامی امریکا در این است که خود سیستم نظامی بوده و فاقد شفافیت میباشد. نیرو های امریکایی در قسمت اینکه به قربانیان و مردم در مورد تحقیقات شان و نتیجه آن معلومات بدهند ناکام مانده اند. بطور مجموع هیچ نوع معلوماتی در دسترس دیگران قرار ندهد تا بدانند که آیا در یک قضیه جرمی کدام تحقیقات رسمی صورت گرفته است یا نی، آیا تحقیقات تمام شده و یا هم نا تمام گذاشته شده است.

این امکان دارد که در بعضی از قضایا ای که کشتن غیر قانونی افراد ملکی مورد سوال قرار گرفته باشد نیرو های امریکایی به تحریم های اداری بسنده نموده که شامل جزا های دسیپلینی میگردد تا بتوانند از این طریق به مجرم جزا داده باشند، بطور مثال با کم کردن معاش، صادر کردن اخطاریه رسمی و در نهایت کاهش در رتبه نظامی شان. حتی در جاییکه اینگونه تحریم ها صورت گرفته است این گونه معلومات با اعضای فامیل قربانیان، متضررین و یا مردم شریک نشده و کسی از آن آگاه نگردیده است. این در حالی است وقتی یک قضیه به مرحله قبل از محاکمه میرسد که مشهور به (ماده 32 بررسی است) شریک ساختن این معلومات با مردم ضروری پنداشته میشود. زمانیکه جریان محاکم نظامی عامه میشود، فقط تعداد کمی از این محاکمات عامه مربوط به قضایای تلفات ملکی در افغانستان میگردند که به یک محکمه نظامی راجع گردیده است.

بر علاوه ای که بعضی از قضایا انفرادی سری نگهداشته شده، نظامیان امریکایی از ارایه اسناد جوابگویی در برابر تلفات ملکی نیز امتناع میورزند. در پاسخ به درخواست سازمان عفو بین المللی در مورد تعداد قضایا و دیگر معلومات در مورد تحقیقات و تعقیب های قضایی، مقامات پنتاگون کدام معلومات اصولی به این دفتر ارایه نکردند. در حالیکه پنتاگون راپور سالانه بی را در مورد آزار های جنسی در ارگانهای نظامی به نشر میرساند، که یک مسله بی نهایت اساس و جنجال برانگیز میباشد، ولی آنها در فراهم آوری عین راپور در مورد تلاشهای شان بخاطر تحقیق و جلوگیری از تلفات ملکی ناتوان بوده اند. این یک خلاء واضح است و ضرورت به پر شدن دارد. راپور سالانه آزارهای جنسی، با معلومات وسیع راجع به شکایات، تحقیقات، و رسیدگی به قضایا، میتواند یک نمونه خوب برای راپور های وزارت دفاع در مورد تلفات ملکی نیز باشد.

میکانیسم های موجوده برای شفافیت بطور واضح کافی نیست. سیستم آزادی بیان در دولت امریکا،

برای اینست تا شفافیت را یقینی سازد بخصوص زمانیکه دستگاه های دولتی از ارائه معلومات خودداری نمایند و در مورد مسله تلفات ملکی که اصلا کارآمد کافی ندارد. پاسخ گویی به درخواست ها تحت مصوبه آزادی بیان دولت فدرال در رابطه به تلفات ملکی اکثرا بسیار کند و یا موجود نمیباشد. برای مثال، یک ژورنالیست بنام رابرت دریفس از مجله ملی (The Nation magazine) در سپتمبر سال 2011 تقاضای درخواست معلومات در مورد تلفات ملکی در افغانستان مطابق به مصوبه آزادی بیان دولت فدرال (FOIA) از وزارت دفاع آمریکا نمود، ولی تا حال که جولای 2014 است که دو سال و نیم از آنوقت میگذرد، وی کدام اسناد جزئی در پاسخ به درخواست خود نگرفته است.

این راپور 10 قضیه بی را مورد بررسی قرار میدهد که بصورت کل حد اقل 140 تن از افراد ملکی در آن کشته شده اند، بشمول 50 تن آنها کودکان بودند. به نظر سازمان عفو بین الملل، تمام این حادثات نگرانیهای را در مورد استفاده غیر قانونی قوه بوجود میاورد که مستلزم یک تحقیقات کامل و بیطرفانه میباشد. دو قضیه بی که نیرویهای ویژه در آن دخیل میباشند، حمله بالای یک خانه در قریه کتبه، ولایت پکتیا در سال 2010، و ناپدید شدن های اجباری، شکنجه، و کشتارها در ولسوالی های نرخ و میدان شهر، ولایت وردک، در نوامبر سال 2012 تا فیبروری سال 2013 صورت گرفته میباشد - که شواهدی کافی و غیر قابل انکار وجود دارد که حکایت از جنایات جنگی میکند. هیچ فردی تا بحال بخاطر این حادثات مورد تعقیب جرمی قرار نگرفته است.

قوانین و سیاست های امریکا در رابطه به عدالت نظامی ضرورت به اصلاحات عاجل دارد. یک علامت مثبت اینست که، چون در یک بخش دیگر سیستم خلاء آشکار گردیده - به شمول آزار و اذیت جنسی در بین مقامات - بنا تلاشها برای اجرای اصلاحات جریان دارد. شمار زیادی از اعضای کانگرس مشترکا متعهد شدن تا مسوده قانونی را ترتیب دهند که تمام قضایا بشمول جنایات جدی، و گرفتن قدرت تصمیم گیری در مورد تعقیب قضایی جرم از قوماندانان و دادن آن به یک خرنوال نظامی مستقل، ترتیب دهند. در عین حال این تغییرات بخودی نمی تواند تا عملکردهای امریکا را در مطابقت با استانداردهای بین المللی قرار دهد، این کمک خواهد کرد تا کشور به انکشافات در دیگر عرصه ها توجه نماید. قابل ملاحظه است که در دو دهه اخیر، بسیاری از کشورها سیستم عدالت نظامی خود را بهبود بخشیدند، و یک میکانیزم تحقیقاتی بیرونی را تاسیس نمودند که از سیستم کنترول فرماندهی مستقلانه عمل نماید. در حقیقت، چندین کشورهای اروپایی اصلاحات هدفمندانه بی را انجام دادند، که در آن دستور داده شده که جنایات جنگی و تخطی های جدی از حقوق بشر که مرتکبین آن افراد نظامی باشند، توسط قاضی های ملکی مورد بازپرس و محکمه قرار گیرند.

ولی، باوجود اینکه اصلاحات ساختاری در آینده بسیار مهم است، تلاش برای فراهم آوری عدالت برای فامیل های افغان آنهایکه خویشاوندان خود را در اثر حملات از دست داده اند، بسیار مهم است. در یک عمل خوشبینانه، نظامیان امریکا اخیرا موفقه نمودن تا تحقیقاتی را در مورد قتل دو نو جوان غیر مسلح عراقی در سال 2007 را دوباره آغاز کنند، باوجودیکه چندین سال از زمانی که قتل ادعا شده صورت گرفت سپری شده است. سازمان عفو بین المللی از مقامات نظامی امریکا تقاضا مینماید تا همینطور قضیه های افغانها را که در این راپور تذکر رفته نیز مورد تحقیقات قرار بدهند.

در پلان بیرون شدن نیروهای بین المللی از افغانستان در اخر سال 2014 تمام این سوالات باید مطرح گردد. لااقل در سال های اخیر، نیروهای بین المللی نظامی تلاش قابل ملاحظه را بخرج

دادن تا از ضرر رساندن به افراد ملکی جلوگیری نمایند، و هم اکنون کمتر مسوول تلفات ملکی نسبت به طالبان و نیروهای داخلی افغان میباشند. میراث بازمانده عملیات های نیروهای نظامی بین المللی بطور جدی خدشدار شده است، باوجود این، زمانیکه نیروهای نظامی افغانستان را ترک میکنند تلاشهای فامیل های قربانی برای دسترسی به عدالت نادیده گرفته شده است.

روش تحقیقات

نمایندگان سازمان عفو بین الملل در جولای سال 2013 و مارچ 2014 تحقیقاتی را در افغانستان انجام دادند که در این تحقیقات آنها با متضررین عملیاتیهای نیروهای بین المللی، و اعضای فامیل افراد ملکی که در اثر این عملیات ها کشته شده بودند، و شاهدان این عملیات ها مصاحبه انجام دادند. در این مصاحبه ها نمایندگان سازمان عفو بین الملل با 125 تن از افغانها صحبت نمودند که آنها معلومات دست اول از 16 حمله که باعث تلفات افراد ملکی شد، داشتند. در بسیاری این حادثات تنها افراد ملکی کشته شده بودند. 3 بر علاوه بی بررسی دقیق این حادثات، نمایندگان همچنان 97 حادثه دیگر را بررسی و ثبت اسناد نمودند، که در بین سالهای 2007 تا 2013 رخ داده که در اثر این عملیاتیهای نظامی نیروهای بین المللی 2 و یا بیشتر از افراد ملکی کشته شده بودند.

نمایندگان همچنان با دیگر سازمانهای مختلف در افغانستان صحبت نمودند، بشمول مدافعین حقوق بشر، خبرنگاران، نمایندگان جامعه مدنی، مقامات دولتی و پولیس، و اعضای تیم کاهش تلفات ملکی نیروهای بین المللی کمک رسانی یا ایساف. همچنان با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بشمول بخش تحقیقاتی بالای تلفات افراد ملکی و کارمندان آنها در کابل، جلال آباد و هرات - که آنها معلومات بسیار مشخص و کمک کننده بی را فراهم نمودند. بر علاوه، پژوهشگران سازمان عفو بین الملل در انگلستان، بلجیم، و ایالات متحده امریکا با خبرنگاران، وکلا، خرنوالان نظامی، مقامات ناتو، و نمایندگان جامعه مدنی که این موضوعات اشنایی داشتند صحبت نموده اند.

پیشنهادات اساسی

نیروهای بین المللی نظامی، بخصوص ایالات متحده امریکا، باید یقینی سازند تا اعضای فامیل افراد ملکی که در اثر عملیاتیهای نظامی بین المللی کشته شده اند بصورت عاجل به عدالت دسترسی پیدا کنند. تدابیر در جهت بهبودی شفافیت در هر دو بخش در قضیه های تلفات ملکی و در مورد تحقیقات و تعقیب قضایی باید گرفته شود. به مردم و بخصوص اعضای فامیل قربانی باید معلومات درست در مورد تعداد کشته شدگان افراد ملکی که از اثر حمله های هوایی، حمله به خانه ها، و دیگر عملیاتیها که توسط نیروهای نظامی بین المللی صورت میگیرد، فراهم گردد و همچنان عکس العمل دولت مربوط به این حادثات نیز باید آشکار گردد.

در ذیل پیشنهادات کلیدی سازمان عفو بین الملل برای اصلاحات ارایه گردیده است. یک بخش مکمل از پیشنهادات در اخیر گزارش تذکر داده شده است. در یادداشت های این سازمان بعضی ازین پیشنهادات قبلا ارایه شده است، ولی تابحال در جهت عملی نمودن آن کدام اقدامی صورت نگرفته است. در گزارش سال 2009، برای مثال گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای محاکمه صحرای، اعدام های صحرای و خودسرانه از نیروهای بین المللی تقاضا نمود تا شفافیت بیشتر در مورد حادثاتی که در آن افراد ملکی کشته و یا زخمی میشوند نشان داده شود، و برای بهبود در جوابدهی اقدامات موثر رویدست گرفته شود. 4

پیشنهادات به دولت ایالات متحده امریکا:

- یقینی نماید تا بعد از هر حادثه که در آن افراد ملکی توسط نیروهای امریکایی کشته میشوند، یک تحقیقات عاجل، دقیق و بیطرفانه صورت گیرد، و در صورتیکه شواهد کافی و قابل قبول برای محکمه موجود باشد، متهمین باید در یک محکمه منصفانه و با استاندارد های قابل قبول و بدون رجوع کردن به سزای مرگ، مورد تعقیب قانونی قرار گیرند.¹
- زمانیکه تحقیقات در مورد کشتار افراد ملکی تمام میشود، یافته های تحقیقات باید با مردم شریک شود، و بخصوص با اعضای فامیل قربانی.
- تمام مواد و شواهدی تحقیقاتی موجود در این گزارش را مورد بررسی قرار دهید، و بازگشایی دوباره تحقیقات را مورد ملاحظه قرار دهید و بخصوص با اعضای فامیل افراد ملکی که کشته شده اند مصاحبه نمایید، و دیگر معلومات دست اول در رابطه به کشتار افراد ملکی مورد غور و بررسی قرار دهید.

پیشنهادات برای نیروهای ناتو (NATO):

- در مورد تلفات ملکی که در اثر عملیاتهای نیروهای نظامی آیساف صورت گرفته است، باید هر چه عاجل تحقیقات حقیقت یابی دقیق و بیطرفانه انجام گیرد، و نتایج تحقیقات باید بصورت علنی منتشر گردد.

پیشنهادات به دولت افغانستان:

- یقینی سازید تا در موافقتنامه های دو جانبه آینده با ناتو و یا دولت امریکا جوابدهی در عرصه تلفات ملکی ضمانت گردد.
- بطور مداوم بالای مقامات امریکایی و ناتو فشار بیاورید تا اقدامات موثر و پیشرفته برای حفاظت از افراد ملکی رویدست گیرند، گزارشهای که در مورد تلفات ملکی نشر میشود مورد تحقیق قرار دهید، و تخلفات از قوانین بین المللی حقوق بشر که باعث تلفات افراد ملکی میشود، مورد تعقیب قضایی قرار گیرد.

³ بیشتر مصاحبه ها به زبان های دری و پشتو توسط خود کارمندان سازمان عفو بین المللی انجام گرفته است، ولی در بعضی از مصاحبه ها از ترجمان نیز استفاده شده است.

⁴ راپور گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای اعدام صحرای و خودسرانه، ضمیمه: ماموریت افغانستان، UN Doc. A/HRC/11/2/Add. 4 (6 May 2009), pp. 33-36